info@payamdaily.com

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۱۰۳

چهارشنبه / ۵ / مرداد / ۱۴۰۱

۲۷ / ذوالحجه / ۱۴۴۳

27 / July / 2022

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان

مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری

نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری

تلفن: ۳۲۵۳۲۸۲۸-۳۲۵۴۲۴۲۴-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱

امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۴

چاپ: کارگر

نکث

خاموشی امنیت در تاریکی شهر

خلافکارها هر کجای دنیا که باشند تاریکی را بیشتر می‌پسندند؛ چرا که پرده سیاه شب روی کارهای آنها نیز پرده می‌کشد از جمله بر باتوق‌های مخوف معتادان که دوشدن انواع مخدرها در آنها کوچک‌ترین اتفاقی است که رخ می‌دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام جم، حضور شبانه در برخی محله‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌پس کوچه‌های شهر تهران دل شیر می‌خواهد. تاریکی در این نقاط چنان غلیظ و روشنایی چنان کم‌سوست که حس ناامنی به پا می‌ایستد و راهگذران پیش می‌روند. در برخی برگراه‌ها و خیابان‌های اصلی حتی زباله پیش آمده که تاریکی باعث تصادف شده و یا در پارک‌ها فراوان تکرار شده که از پس پرده کم‌نور لامپ‌های بی‌رمق، حس خطر جان گرفته است. بی‌تعارف، شهر تهران شهر کم‌نوری است و این برای اهالی شهر اتفاق خوشایندی نیست. مگر برای خلافکارانی که کسب و کارشان به تاریکی گره خورده است. درباره تاثیر روشنایی بر ایجاد حس امنیت در مردم تاکنون مطالعات زیادی در نقاط مختلف جهان انجام شده؛ از جمله در دانشگاه شفیلد انگلستان که محققان ثابت کردند روشنایی خیابان‌ها می‌تواند از طریق ایجاد حس امنیت به بهبود کیفیت زندگی کمک کند؛ هر چند که این کار به اعتقاد آنها هزینه‌های زیادی دارد. البته بگذریم که حتی درباره روشنایی شهر هنوز اتفاق نظر وجود ندارد و عده‌ای از تاثیر منفی نورهای مصنوعی بر حیات وحش و طبیعت حرف می‌زنند اما وقتی پای امنیت و داشتن حس خوب در شب شهرها در میان است، به نظر می‌رسد که باید در این حوزه منطقی‌تر عمل کرد.

تاریکی و باتوق‌های موزائیکی

خلافکارها هر کجای دنیا که باشند تاریکی را بیشتر می‌پسندند؛ چرا که پرده سیاه شب روی کارهای آنها نیز پرده می‌کشد از جمله بر باتوق‌های مخوف معتادان که دوشدن انواع مخدرها در آنها کوچک‌ترین اتفاقی است که رخ می‌دهد.

علیرضا عدلی- سخنگوی شورای شهر تهران، درباره این باتوق‌ها ابراز نگرانی می‌کند و آنها را به بحث تاریکی نقاط بی‌دفاع پایتخت ربط می‌دهد. او در گفت‌وگو با ایلنا تلاش برای ساماندهی معتادان متجاهر را مطلوب می‌داند ولی تاکید می‌کند که اگر جمع‌آوری این افراد به متلاشی‌شدن باتوق‌های اصلی و شکل‌گیری باتوق‌های پراکنده و موزائیکی در سطح شهر منجر شود حتما اتفاق خوبی نیست؛ علی‌الخصوص در تهرانی که موقعیت‌های بی‌دفاع متعددی دارد. این عین جملات آقای سخنگو: وجود موقعیت‌های بی‌دفاع متعدد در شهر می‌تواند به زمینه‌ای برای شکل‌گیری باتوق‌های موزائیکی بیشتر در تهران تبدیل شود. در این حال است که متاسفانه از این دست نقاط در تهران زیاد داریم که شب‌ها کاملا تاریک و بی‌دفاع‌اند و بستر لازم برای حضور معتادان را فراهم می‌کنند. جالب اینکه نادعلی این تاریکی و تهدید را فقط مختص جنوب شهر نمی‌داند، بلکه اذعان دارد که حتی در شمال شهر نیز نقاط بی‌دفاع زیادی وجود دارد که به علت نبود امکانات روشنایی شهری به بستری مناسب برای شکل‌گیری باتوق‌های موزائیکی تبدیل شده‌است.

چرا شهر تاریک است؟

البته در بحث تاریکی شهر فقط نباید روی معتادان دست گذاشت؛ چرا که نبود روشنایی، قطاری از مشکلات را به دنبال دارد؛ از جمله تصادفات که مدتی قبل رئیس اداره تصادفات پلیس راهور پایتخت درباره‌اش گفت که طبق تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت‌گرفته حدود ۴۴ درصد از تصادفات منجر به فوت شهر تهران در زمان تاریکی هوا و ساعات شب (به دلیل خوب‌ندیدن و خوب دیده‌نشدن) رخ می‌دهد. این مقام مسئول حتی درباره مقصران تاریک‌بودن شهر نیز موضع گرفت و گفت در تصادفاتی که به علت روشن‌نبودن معابر رخ می‌دهد سازمان مربوطه سهم تقصیر دارد و باید در مرجع قضایی پاسخگو باشد و خسارت پرداخت کند. اما چرا وظیفه روشن نگهداشتن شهر که وزارت نیرو آن را بر ذمه شهرداری‌ها می‌داند بعضا به درستی انجام نمی‌شود و کم‌کم بر تعداد نقاط تاریک شهر افزوده می‌شود؟

باعبنک محمدعلی پورنیا- کارشناس مسائل شهری اگر به دنبال پاسخ برگردیم این مسأله چند دلیل دارد که وی دربارشان به جام جم توضیح می‌دهد او می‌گوید: در سال‌های اخیر در ماه‌های گرم سال به علت کمبود برق، میزان روشنایی شهرها به صورت عمدی کاهش داده می‌شود تا به شبکه برق کشور کمک شود که اقدامی قابل قبول است. اما نکته اینجاست که فقط کمک به نیروگاه‌ها پشت سر تاریکی شهرها قرار ندارد؛ چرا که بخش زیادی از تجهیزات روشنایی شهرها در طول سال به سرقت می‌رود یا به عمد توسط سارقان، معتادان و افرادی از این دست که از تاریکی سود می‌برند تخریب می‌شود؛ تجهیزاتی که البته یا جایگزین نمی‌شود یا این اتفاق خیلی دیر رخ می‌دهد. پورنیا البته یک دلیل دیگر نیز برای تاریک‌ماندن برخی نقاط شهر و بی‌نتیجه‌ماندن اعتراضات مردمی ذکر می‌کند که تاسف‌بار و قابل تامل است. واقعیت این است که بسیاری از شهروندان مناطق شب‌ها در منطقه خود حاضر نمی‌شوند تا از اوضاع باخبر شوند بلکه روزها تردد می‌کنند و اگر شب‌ها قرب و آمدی داشته باشند با خودروهای سازمانی است که از پشت شیشه‌های آن نمی‌توان واقعیت‌ها را به‌خوبی لمس کرد.

طرح ارتقای امنیت زنان چه شد؟

تقریبا دو سال قبل بود که شورای شهر پنجم تهران از طرح ارتقای امنیت زنان در مناطق ۲۲گانه پایتخت رونمایی کرد. طرحی که زنان می‌توانستند در تماس با سامانه ۱۳۷ فضاهای بی‌دفاع شهری را گزارش دهند. معاون وقت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران می‌گفت که تأمین امنیت بوستان‌ها، فعالیت شبانه اتوبوس‌ها و تقویت روشنایی در برخی نقاط در صدر خواسته‌های زنان قرار دارد و ۱۳۷ بلافاصله پس از هر تماس اقدامات لازم را انجام می‌دهد در آن برهه زهرا نژادبهرام، عضو هیات‌رئیسه شورای شهر پایتخت نیز معتقد بود که توسعه و اصلاح برخی فضاهای شهری در افزایش امنیت زنان تاثیرگذار بوده است. با وجود این اما اکنون هنوز زنان مطالبه امنیت شبانه در شهر را دارند که بخش بزرگی از آن به روشنایی معابر مربوط می‌شود؛ موضوعی که تجربیات زیسته ما از جدی گرفته‌نشدن آن حکایت دارد.

گزارش روز

آیت‌الله طالقانی در نخستین نماز جمعه انقلاب چه گفت؟

مهدی آهنگری

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نماز جمعه به صورت پراکنده در برخی از شهرها برگزار می‌شد به طور مثال در سال ۴۷ اولین نماز جمعه تهران مستقل از دولت از سوی آیت‌الله طالقانی در مسجد جامع نارمک اقامه شد. پس از پیروزی انقلاب آیت‌الله طالقانی به امام خمینی(ره) پیشنهاد برگزاری نماز جمعه را ارائه دادند و امام(ره) نیز با این پیشنهاد موافقت کردند و از آیت‌الله طالقانی خواستند که ایشان نماز جمعه را اقامه کنند. بنابراین در ۵ مرداد ۵۸اولین نماز جمعه رسمی به امامت آیت‌الله سیدمحمود طالقانی و با حضور گسترده و میلیونی مردم در دانشگاه تهران اقامه شد.

داستان اعلام نصب آقای طالقانی به امامت جمعه تهران و برگزاری اولین نماز جمعه از قرار بود: شب پنجشنبه سوم مردادماه ۱۳۵۸ بود و شب اول ماه رمضان. نماز مغرب را با ایشان گزارده بودم.

سکوت اطاق با زنگ تلفن شکسته شد. گوشی را برداشتم. مرحوم حاج احمدآقا بود.

_آقای طالقانی آنجا هستند؟

_هستند، تعقیبات نماز می‌خوانند.

_چه خوب که تو هم آنجا هستی. چون آقا(امام) همین الان گفتند که «به آسید محمود بگو پس‌فردا نماز جمعه بخواند». همین امشب زود بگو تلویزیون اعلام کند. گوشه و کنار کار را هم خودت بگیر. باید مطلب جا بیفتد...

گوشی را دادم به آقای طالقانی. طبیعتاً حرف‌های آن طرف خط را نمی‌شنیدم، اما می‌شنیدم که آقای طالقانی می‌گفتند: آخه من مریضم. خسته‌ام. پاهام درد می‌کنه... حالا آقا یک مهلتی بما بدهند تا فکری بکنیم. آخه همین پس‌فردا که نمیشه. این کار تدارکات می‌خواهد... بعد هم تعارف‌ها و توانع‌هایی شنیدند و دیگران را برای این مهم پیشنهاد کردند.

طالقانی، به خلاف تصور آنان که او را خوب نمی‌شناختند، در عین بینش باز و اندیشه روشن و پویا به ضوابط و دقایق فقهی و شرعی بسیار اهمیت می‌دادند.

فردای دستور امام، یعنی پنجشنبه، بعدازظهر رفتم خدمت آقای طالقانی تا نظرشان را درباره جزئیات امر بپرسم. وقتی خدمت ایشان رسیدم، مشغول صحبت تلفنی با حاج احمدآقا بودند. می‌گفتند، آقا باید فتوا بدهند که نماز ظهر مردم ساقط است. من نمی‌توانم مسئولیت نماز مردم را برعهده بگیرم. باید مستند به فتوای ایشان عمل کنم. مدتی پس از این مکالمه، حاج احمدآقا خبر دادند که آقا فرمودند که درست است، فتوای مرا اعلام کنید.

«حتی‌اگر نیست. تعیین آقای طالقانی کافی است که نماز جمعه بگیرد.»

این‌بار هم تشخیص امام درست بود. طالقانی، اولین نماز جمعه را در دانشگاه تهران امامت کرد. صحن دانشگاه و خیابان‌های اطراف، تا خیابان فلسطین، بلوار کشاورز و بخشی از پارک لاله مملو از جمعیت بود. صحنه‌ها هلی‌کوپتر تلویزیون فیلمبرداری و همان شب پس از اخبار از شبکه اول پخش شد. آن شب سنت پخش خطبه‌های نماز جمعه از تلویزیون پایه‌گذاری شد. فردای آن روز، یعنی شنبه، برای دیدن حاج احمدآقا به قم رفتم. پرسیدم آقا از نماز جمعه راضی بودند؟ گفتند: دیشب آقا روی نماز نشسته بودند و پخش خطبه‌های نماز جمعه را تماشا می‌کردند. وقتی صحنه‌ای را که هلی‌کوپتر گرفته بود دیدند در حالی که قدری از روی زمین بلند شده بودند با خوشحالی گفتند: «عجب چیزی شد» با شنیدن این جمله همه خستگی‌ام درآمد.

آخر همه دوندگی‌های آن چند روز برای آماده کردن دانشگاه تهران، نصب سیستم‌های صوتی، آماده کردن دکوپاژ لازم برای فیلمبرداری و همه تدارکات دیگر به یک کنار. حرف و حدیث‌ها و بی‌صفایی‌ها بود که بیش از دوندگی‌ها نفس می‌گرفت.

یک روز هنگام نماز جمعه، ایشان به مسئول صدا و سیما اجازه نمی‌دادند میکروفون کوچکی را به لبلبانشان نصب کند تا صدایشان خوب پخش شود. آن مسئول از بنده خواست دخالت کنم، علت ممانعت را از خدمتشان پرسیدم.

_گفتند: آخه مثل اینکه نه این میکروفون با چرم پوشیده شده، ممکن است این چرم اشکال داشته باشد.

_آقا چرم نیست، پلاستیک است.

_آخه نماز مردم گردن من است. مطمئنی که چرم نیست؟

علت گستردگی نماز جمعه در اوایل انقلاب به خصوص زمانی که آیت‌الله طالقانی اقامه آن را آغاز کردند، این بود که همه می‌دانستند ایشان با اخلاص، ایمان و اعتقاد به وحدت جامعه نماز جمعه را برپا کرده است. در واقع همگان فلسفه اقامه نماز جمعه از سوی ایشان را می‌دانستند. من در خاطراتم با عنوان «همگام با آزادی» جلد دوم که در شرح حال آیت‌الله طالقانی نوشته شده، این را گفته‌ام که حتی عده‌ای از کسانی که به نماز اعتقاد نداشتند نیز به نماز جمعه می‌آمدند و وقتی دلیل آمدن‌شان را می‌پرسیدیم، می‌گفتند چون این صف وحدت ملت ایران را تضمین می‌کند، همه ما برای حفظ وحدت می‌آییم. آنهایی هم که به نماز اعتقاد داشتند، به دلیل اینکه نماز ضامن وحدت است، به نماز جمعه می‌آمدند.

۵ امرداد
روز فرهنگی طالقان

قابل توجه

شناسایی خطرات کووید طولانی در کودکان

بر اساس مطالعه‌ای که در هشت کشور انجام شد، نزدیک به ۴ درصد از کودکانی که با کووید۱۹ به بخش اورژانس مراجعه کردند، ۹۰ روز بعد علائم کووید طولانی را گزارش کردند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ساینس دیلی، بستری اولیه کودکان در مدت ۴۸ ساعت با بیشتر، وجود چهار علامت یا بیشتر در ویزیت اولیه اورژانس و سن ۱۴ سال یا بالاتر با بروز سندرم کووید طولانی مرتبط بود.

محقق اصلی «استفن فریدمن»، از دانشگاه کلگری در کانادا، گفت: «ما دریافتیم که در برخی از کودکان، بیماری کووید ۱۹ با گزارش علائم پایدار پس از ۳ ماه همراه است. نتایج ما نشان می‌دهد که راهنمایی و پیگیری مناسب، به ویژه برای کودکانی که در معرض خطر بالای ابتلاء به کووید طولانی هستند، مورد نیاز است.» این مطالعه شامل ۱۸۸۴ کودک مبتلا به کووید ۱۹ بود که ۹۰ روز تحت نظر بودند. کووید طولانی مدت در حدود ۱۰ درصد از کودکان بستری در بیمارستان و ۵ درصد کودکانی که از اورژانس مرخص شده بودند، یافت شد. فریدمن گفت: «میزان گزارش‌شده ابتلاء به کووید طولانی در بزرگسالان به طور قابل‌توجهی بیشتر از آنچه در کودکان یافتیم، است.» بیشترین علائم پایدار گزارش شده در کودکان بعد از بهبود از کووید ۱۹ شامل خستگی یا ضعف، سرفه، مشکل در تنفس یا تنگی نفس بود. به گفته محققان، متأسفانه، هیچ درمان شناخته شده‌ای برای کووید طولانی مدت در کودکان وجود ندارد و تحقیقات بیشتری در این زمینه مورد نیاز است.

اشاره

در جست‌وجوی حمایت برای ادامه تحصیل

قرار است که هیچ کودک و نوجوانی نباید که از بدیهی‌ترین حقش در زندگی یعنی تحصیل محروم باشد- حتی آن کودکی که به اجبار، غیر قانونی و بدون مجوز، به کشور همسایه مهاجرت کرده است؛ اما انگار برای گرفتن همین حق بدیهی‌شان، لازم است که روزها و ساعت‌ها انتظار و سختی بکشند تا شاید دری و راهی باز شود تا بتوانند درس بخوانند و فرصت تحصیل در مدرسه را داشته باشند. این وضعیت برخی از کودکان مهاجر افغانستانی است که بدون خواست و اراده خودشان، در کشور ما زندگی می‌کنند و مدرک قانونی برای اقامت ندارند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا همین تابستان سال گذشته بود که جمعیت زیادی از پدر و مادرهای مهاجر، دست فرزندان کوچکشان را گرفته بودند و روبروی اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی، صف عریض و طویلی تشکیل داده بودند. صفی که قرار بود آن‌ها را به چارهای برای گرفتن برگه حمایت تحصیلی برساند؛ «ها هیچ برگه و مدرک معتبری برای اقامت که منجر به دریافت برگه حمایت تحصیلی باشد نداریم. اما دل‌مان روشن است که راهی پیش پای‌مان می‌گذارند تا بچه‌هایمان از تحصیل جا نمانند.» این را مادر بلدا می‌گوید: دختر چشم‌وابروی مشکی افغانستانی که چهره غم‌زدهش نشان می‌دهد که دلخوشی دیگری به جز درس خواندن و معاشرت با دوستان هم‌سن و سالش در مدرسه ندارد و دلش نمی‌خواهد همان را هم از دست بدهد. اما خبر خوش وقتی به دستمان رسید که با خبر شدیم که در آخرین روزهای مهرماه، بلدا توانست بر سر کلاس درس حاضر شود. اما اصال هم دوباره، ماجرای بلدا، برای خیلی از دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی که مدرک معتبری برای اقامت در کشور ندارند، تکرار شده است.

ماجرای نخ نما شده منع از تحصیل

حالا تحصیل کودکان و نوجوان‌های مهاجر، تبدیل به یک ماجرای تکراری شده است. آن‌ها مدرک معتبری برای اقامت‌شان ندارند اما حالا اینجا هستند و به دنبال حق زندگی و تحصیل اتفاقی که در سال‌های اخیر با مشکلات و موانع زیادی روبرو شده‌است. چندین سال از ابتلات مهاجر در باره توسعه عدالت آموزشی کودکان پناهجو و تحصیل دانش‌آموزان اتباع ساکن در ایران می‌گذرد. رهبر معظم انقلاب گفتند که همه کودکان افغانستانی، چه آنها که دارای شرایط قانونی حضور در ایران هستند و چه آنها که مدارک قانونی حضور در ایران را ندارند باید در مدارس دولتی ثبت‌نام شوند. اتفاقا همین هم بوده است و تاممین یکی دو سال پیش، کودکان مهاجر افغانستانی در کنار دیگر بچه‌ها تحصیل می‌کردند اما حالا با افزایش مهاجر غیر قانونی در کشور، این روند با وقفه‌ای جدی روبرو شده است. انگار قرار است با این روش، از مهاجرت غیرقانونی به کشور جلوگیری شود؛ اما این راهش نیست!

در انتظار پایان چشم‌انتظاری

حالا اوضاع بهتر از تابستان سال پیش است. مهاجرانی که کارت آمایش و یا گذرنامه دارند می‌توانند در مدارس مورد نظرشان ثبت‌نام کنند اما هنوز تکلیف بچه‌های دیگر که چنین مدارکی ندارند، معلوم نیست و منتظر اعلام اداره اتباع مانده‌اند؛ این را حمید بوالی، یکی از فعالان حوزه مهاجران می‌گوید که چند سالی هست که به طور جدی، پیگیر ادامه تحصیل این بچه‌ها است تا بچه‌ای نباشد که برای این اما و اگرهای اداری، نتواند درس بخواند؛ «در واقع بخش زیادی از کودکان مهاجر که مدرک معتبری نداشتند سرشماری شده و مدرک سرشماری دریافت کرده‌اند. اما هنوز شامل دریافت برگه حمایت تحصیلی برای ثبت‌نام در مدارس نشده‌اند؛ برای همین هم منتظریم تا ببینیم وزارت کشور و اداره اتباع، برای این بچه‌ها چه تصمیمی می‌گیرد» اینطور که معلوم است، با اجرای طرح خوبی که عملی شد، بیشتر از هشتاد درصد مهاجران بدون مدرک شناسایی، انگشت‌نگاری و سرشماری شده و مدرک گرفته‌اند اما این مدرک سرشماری موقت است و مجوز ثبت‌نام آن‌ها در مدرسه برای تحصیل محسوب نمی‌شود» برای همین است که این بچه‌ها و خانواده‌هایشان، این روزها در یک بلاتکلیفی و چشم‌انتظاری به سر می‌برند که بالاخره تهش چه می‌شود؟» و کاش آخر ماجرا و دریافت برگه حمایت تحصیلی از دفاتر کفالت، آنقدر دیر تصمیم‌گیری و اجرایی نشود که دیگر مدارس جایی برای دانش‌آموز جدید نداشته باشد. اما واقعا همه‌چیز با اعلام اینکه این افراد برای دریافت برگه حمایت تحصیلی به دفاتر کفالت مراجعه کنند تمام می‌شود؟ تجربه حمید بوالی در چنین مواقعی، چیز دیگری می‌گوید: «در چنین شرایطی، چیزی حدود پانصد تا ششصد هزار نفر باید از دفاتر کفالت وقت بگیرند چنین پروه‌ای ممکن است آنقدر زمانبر و آنقدر طولانی شود که به آن‌طرف سال بیفتد! این یعنی این بچه‌ها سر سال تحصیلی شان را از دست می‌دهند»

صندلی خالی نداریم

خوبی‌اش این بود که سال گذشته همه پیگیری‌ها تقریبا به نتیجه رسید و بیشتر از هفتاد تا هشتاد درصد کودکان افغانستانی که قصد و تمایل به تحصیل داشتند، این امکان برایشان مهیا شد اما انگار که امسال هم باید دوباره همان سختی روزهای قبل را تجربه کنند: «مثلا مشکل کمبود ظرفیت همیشه هست؛ چرا که سال گذشته وزارت کشور و اداره اتباع به وظیفه خودش عمل کرد و برگه حمایتی تحصیلی به دست این بچه‌ها رسید اما وقتی پایشان به مدارس باز شد، با جملاتی مثل «ما نداریم و یا نمی‌خواهیم دانش‌آموز افغان داشته باشیم روبرو می‌شدند» معضلاتی که با توجه به ویژه به مدرسه‌سازی و مقابله با اعمال سلیقه در مدارس دولتی به راحتی حل می‌شود و هر سال، به سال بعد منتقل نمی‌شود! البته که اقای بوالی خوش‌وقتی و سرشار از امید به آینده، از بلاتکلیفی نجات پیدا کنند» البته که سرشلوغی‌های اداره اتباع کاملا قابل درک است؛ چرا که من کاملا به درگیری‌هایشان راجع به واکسیناسیون اتباع، سرشماری و ... واقف هستم اما به نظر می‌رسد که تاخیر در میان همه این سرشلوغی‌ها، توجه ویژه‌ای هم به موضوع تحصیل این بچه‌ها داشته باشد که زندگی آینده‌شان به آن گره خورده‌است.» این روزها او برای مهیا شدن فرصت تحصیلی برای این بچه‌ها امیدوار است: «سال گذشته آنقدر امید نداشتم و شد؛ امسال که اقتدر امیدوارم، حتما محقق می‌شود»

مهاجران در مناطق مشخصی می‌گوید: «پرامین، شهر ری و قم و مشهد بیشترین جمعیت مهاجر را دارد و خب طبیعی است مدارس این مناطق، ظرفیت محدود و مشخصی داشته باشن.» او از زنجیره‌ای از تصمیمات نادرستی می‌گوید که در زمان روی کار آمدن طالبان و افزایش مهاجرت افغان‌ها به کشور، بیشتر خودش را نشان داد: «مثلا شاید بهترین تصمیم این بود که در مرزهای کشور، کمپ زده شود و مهاجران به صورت متوازن در کشور توزیع می‌شدند؛ اما این اتفاق نیافتاد آن‌ها هم به صورت خودمختار، ترجیح دادند که نزد اقوامشان در همان مناطق مشخص شده بروند.» و حالا نتیجه این شده است که این مناطق، نمی‌تواند بار این حجم از دانش‌آموز را به دوش بکشد! این در حالی است که روند مدرسه‌سازی بسیار کند و یا حتی متوقف شده است. در واقع برداشتن موانع موجود برای تحصیل این کودکان که به هر دلیلی امروز در کشور ما هستند، تقریبا واضح و مشخص است اما خوب است فراموش نکنیم که راه حل جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه به کشور، در آب مرزها است نه در مدارس.

کاش دیر نشود

«هر روز که می‌گذرد، یک فرصت برای ثبت‌نام این بچه‌ها از دست می‌رود.» اقای بوالی معتقد است که این روزها چشم‌انتظاریم تا ببینیم که چه تصمیم برای این بچه‌ها گرفته می‌شود. تصمیمی که بهتر است هرچه زودتر ابلاغ شود تا این بچه‌های خوش‌ذوق و سرشار از امید به آینده، از بلاتکلیفی نجات پیدا کنند» البته که سرشلوغی‌های اداره اتباع کاملا قابل درک است؛ چرا که من کاملا به درگیری‌هایشان راجع به واکسیناسیون اتباع، سرشماری و ... واقف هستم اما به نظر می‌رسد که بهتر است در میان همه این سرشلوغی‌ها، توجه ویژه‌ای هم به موضوع تحصیل این بچه‌ها داشته باشد که زندگی آینده‌شان به آن گره خورده‌است.» این روزها او برای مهیا شدن فرصت تحصیلی برای این بچه‌ها امیدوار است: «سال گذشته آنقدر امید نداشتم و شد؛ امسال که اقتدر امیدوارم، حتما محقق می‌شود»

برگه

شما هم می‌توانید هر کاری را که دوست دارید، بکنید؛ اگر فقط باور کنید که می‌توانید.

جک کانفیلد

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۱	۰۶:۱۰	۱۳:۲۲	۲۰:۱۴	۲۰:۳۴

طرفه

تا پدید آمد ز رویت زلف
اشک افشان شدیم
شب چو پیدا می شود گاهِ
طلوع کوکب است

خیالی بخارایی

مثل ۴۱

امروز با حافظ

کشتهٔ چاه زنخدان توأم کز هر طرف
صد هزارش گردن جان زیر طوق غبغب است
شهسوار من که مه آیینه‌دار روی اوست
تاجِ خورشیدِ بلندش خاکِ نعلِ مرکب است

رسانه چه خبر

شناسایی ۹۷۷۵ بیمار جدید کرونایی

وبدا: بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۹۷۷۵ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی و ۱۳۹۷ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به ۷ میلیون و ۳۳۷ هزار و ۹۲۸ نفر رسید. در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۳۳ بیمار مبتلا به کووید۱۹ در کشور جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری، به ۱۴۱ هزار و ۷۱۷ نفر رسید. از کنون ۷ میلیون و ۹۴ هزار و ۱۶۶ نفر از بیماران، بهبود یافته و یا از بیمارستانها ترخیص شده‌اند. ۹۷۲ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستانها تحت مراقبت قرار دارند. تا کنون ۵۳ میلیون و ۴۶ هزار و ۱۴۹ آزمایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است. در حال حاضر ۵۷ شهرستان در وضعیت قرمز، ۸۶ شهرستان در وضعیت نارنجی، ۱۹۹ شهرستان در وضعیت زرد و ۱۰۶ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند.

ضرورت خودکفایی کشور در تأمین داروهای مشتق از پلاسما

مهر: عضو شورای عالی سازمان انتقال خون ایران، بر ضرورت خودکفایی در تأمین داروهای مشتق از پلاسما در کشور تاکید کرد. حسن ابوالقاسمی با اشاره به شاخص‌های توسعه یافتگی انتقال خون کشور گفت: این شاخص‌های غرور آفرین که به آن می‌بالیم ثمره خون دل خوردن‌ها و تلاش‌های بسیار است اما باید همواره مسیر بالندگی را طی کنیم و تلاش کنیم آن را ارتقا بخشیم وی همچنین بیان کرد: برنامه ریزی ها باید به گونه‌ای پیش برود که علاوه بر خودکفایی در تأمین دو داروی مشتق از پلاسمای ایمنو گلوبولین و آلبومین که مورد نیاز بسیاری از بیماران است، بتوانیم این محصولات را به سایر کشورهای جهان نیز صادر کنیم. ابوالقاسمی با تاکید بر اهمیت تأمین پلاکت فرزیس برای مراکز درمانی: پلاکتی که با این روش تهیه می‌شود را بسیار با کیفیت و مؤثر دانست و گفت: خیلی خوب است که به دست آوردن این نوع پلاکت در انتقال خون مد نظر قرار گرفته و رو به افزایش است. وی با اشاره به سال‌های انقلاب، دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا برای نذر خون، گفت این پیشینه فرهنگ ایثارگری را نهادینه کرده است و در وضعیت افتخار آفرین امروز سازمان نقش دارد. ایران در تهیه داروهای مشتق از پلاسما یکی از برترین‌های دنیا است.

تشخیص زودهنگام آلزایمر از ۱۷ سال قبل

ساینس دیلی: محققان می‌توانند با یک حسگر، بیومارکرهای پروتئینی چندتاشده را در خون شناسایی کنند. این روش فرصتی را برای تشخیص بیماری آلزایمر قبل از بروز هر گونه علائمی فراهم می‌کند. بیماری آلزایمر یک دوره بدون علامت ۱۵ تا ۲۰ سال قبل از ظهور اولین علائم بالینی دارد. یک تیم تحقیقاتی در آلمان با استفاده از یک حسگر ایمنی مادون قرمز توسعه یافته، قادر به شناسایی علائم بیماری آلزایمر در خون تا ۱۷ سال قبل از ظهور اولین علائم بالینی است. این حسگر تا شدن اشتباه بیومارکر پروتئین آمیلوئید بتا را تشخیص می‌دهد. با پیشرفت بیماری، این تاشدن نادرست باعث بروز رسوبات خاصی در مغز می‌شود که اصطلاحاً پلاک نامیده می‌شود. پروفسور «کلاوس گروبر»، سرپرست تیم تحقیق از دانشگاه بوخوم آلمان، می‌گوید: «هدف ما تعیین خطر ابتلاء به آلزایمر در مراحل بعدی با یک آزمایش خون ساده حتی قبل از تشکیل پلاک‌های سمی در مغز است تا اطمینان حاصل کنیم که درمان می‌تواند به موقع شروع شود.» محققان پلاسمای خون شرکت کنندگان را برای نشانگرهای زیستی احتمالی آلزایمر تجزیه و تحلیل کردند. نمونه‌های خون بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ گرفته شده و سپس منجمد شده بودند. در آن زمان، شرکت کنندگان در این آزمایش بین ۵۰ تا ۷۵ سال سن داشتند و هنوز بیماری آلزایمر در آنها تشخیص داده نشده بود. برای مطالعه حاضر، ۶۸ شرکت‌کننده انتخاب شدند که در طی ۱۷ سال پیگیری با بیماری آلزایمر تشخیص داده شده بودند. آنها با ۲۴۰ فرد کنترل بدون چنین تشخیصی مقایسه شدند. هدف تیم پی بردن به این موضوع بود که آیا علائم بیماری آلزایمر را می‌توان در ابتدای مطالعه در نمونه‌های خون یافت. حسگر ایمنی مادون قرمز توانست ۶۸ نفر از افراد مورد آزمایش را که بعداً به بیماری آلزایمر مبتلا شده بودند را با درجه بالایی از دقت آزمایش شناسایی کند. محققان بوخوم امیدوارند که تشخیص زودهنگام مبتنی بر آمیلوئید- بتا به استفاده از داروهای آلزایمر در مراحل اولیه کمک کند که تأثیر قابل توجهی بهتری داشته باشند.